



استاد صباح

شہکارہای از اشرف غنی احمدزی

(بخش دوم)

کاکا ! میخري؟؟؟

یاد دارم یک روزی سردی سرد
می گذشت از کوچہ ما دورہ گرد
فریاد می زد: کهنہ قالین می خرم
توشک نووکمپل بالین می خرم
کاسه و ظرف سفالی می خرم
گر نداری کوزه بی خالی می خرم
اشک در چشمان پدر حلقه بست
عاقبت آہی کشید بغضش شکست
اول ماه است ونان در سفرہ نیست

ای خدا شکرت ولی این زندگیست؟
بوی نان تازه هوشش برده بود
از مصیبت، مادرم هم روزه بود
خواهرم چون باد به بیرون دوید
گفت کاکا! سفره خالی می خرید؟.

که میگوید که ارگ ، غنی و اطرافیانش مردمان بداست؟؟؟



وطن پرست کیست؟؟؟

وطن مادر دوم است، وطن خویش را فزونتر از هر چیز گرامی دارید.
میهن دوستی باید مقدم بر هر کار و خود مختاری و استقلال پیشرو بر هر اندیشه باشد.
عشق ورزیدن به میهن عبارت از این است که انسان با تمام قوا، میل داشته باشد عملی شدن آرمانهای
بشری را در آن مشاهده نماید و به قدر قوه ی خود در راه کاریاری نماید.
عشق و علاقه به وطن و آب و خاک مانند علاقه به پدر و مادر و زن و فرزند امری طبیعی است.
صمیمیت و عواطف و احساسات نسبت به میهن باید مافوق همه ی احساسات و عواطف باشد.

توفان

سر کوهی بلند آمد سحر باد
ز توفانی که می آمد خبر داد
نهال باغ ما از ریشه لرزید
به خاک افتاد و مرغ از چهچه افتاد .

استعفای جوان مردانه محترم جهانی وزیر اطلاعات و فرهنگ

در حالی که «بیماری»، دلیل استعفای وزیر اطلاعات و فرهنگ اعلام شده، «عبدالباری جهانی» در صفحه شخصی خود در فیسبوک دلایل استعفایش را نوشته است. جهانی که از سمت خود استعفا داده، در صفحه شخصی خود در فیسبوک در مورد دلایل استعفایش نوشته که "در ارگ ریاست جمهوری اداره موازی با وزارت اطلاعات و فرهنگ ایجاد شده بود که نه تنها کارهای روزمره وزارت را مختل می کرد، بلکه عملاً وزارت را فلج و بی صلاحیت کرده است".
خبر استعفای جهانی ده روز قبل منتشر شد و در ابتدا "بیماری" دلیل آن اعلام شده بود اما ریاست جمهوری هنوز استعفای جهانی را نپذیرفته است. اکثر پیشنهادات وی برای انتصاب های جدید در وزارتخانه اش پذیرفته نشده و در این وزارت کار نشده و نمی تواند کار شود چون صلاحیت های اجرایی برای تغییر و جابجایی دست ارگ ریاست جمهوری یا کمیسیون اصلاحات اداری است. در صورتی که رئیس جمهور حداقل در هفته یکبار وقت ملاقات با وزیرش نداشته باشد و همه ملاقات های دست مشاوران چاپلوس و مغرض باشد، از وزیر انتظار کار و فعالیت نباید داشت.
وی در نوشته خود افزود: خود رئیس جمهور شخص بدی نیست اما کارمندان ارگ همه راه های اصلی و فرعی رسیدن به وی را به دلیل غرایض شخصی بسته اند. جهانی اعلام کرد که در دوران وزارتش تنها چهار بار برای نیم ساعت با رئیس جمهور افغانستان ملاقات کرده و در حالی که برخی وزرا در هفته دو یا سه بار با اشرف غنی دیدار می کنند، وی ماه ها برای ملاقات با رئیس جمهور منتظر می ماند. وزیر سابق فرهنگ همچنین وضعیت اکثر وزرا را مشابه خواند.

پیش از این «گلاب منگل» وزیر سابق قبایل و امورا قوام و قبایل، رحمت الله نبیل رئیس سابق امنیت ملی، «نورالحق علومی» وزیر سابق داخله، «داودشاه صبا» وزیر سابق معادن و نفت، «میرزاخان رحیمی» والی هلمند، یوسف نورستانی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات و جنرال «عبدالرزاق» قوماندان پولیس ولایت قندهار و هماهنگ کننده امور امنیتی ناحیه جنوب غرب نیز از سمت خودشان استعفا داده بودند.

جنون قدرت خواهی و فکری شاخ و دم دارد؟؟؟



Ashraf Ghani

November 17, 2015

در ظرف دوازده ماه آینده، ۱۷ بند آبی در ۱۷ ولایت ساخته می شوند که بودجه آن را تا اندازه ای از مدارک مختلف تشخیص کرده ایم و برای فراهم آوری منابعی بودجه جدا کار جریان دارد. مطالعات تخنکی اولیه این بند ها نیز صورت گرفته و فعلا زمان تطبیق آن فرا رسیده است. با تکمیل شدن بودجه این پروژه های تولید برق و بند های آبی، حد اقل برای ۲۵ هزار نفر کار بصورت مستقیم ایجاد میکند.

سخنان پای درهوا

ماه ها ازین حرف جنون آمیزسپری گردید ، غنی احمدزی گفته بود که دوازده ماه بعد، هفده بند آبی در هفده ولایت ساخته می شود. غنی خودش قید کرده بود که فکس دوازده ماه بعد.

وطن

شدم پیر! ای وطن اندرغم تو

به سوز سینه دارم ماتم تو

سرشتی برمن غمگین نوشتند

که حسرت برکشم با هر دم تو .

ناگفته های عبدالباری جهانی، وزیر پیشین اطلاعات و فرهنگ:

- اکثریت پیشنهادات من برای تعیینی و تبدیلی مُعینان، اتشه های کلتوری و روسا پذیرفته نشدند.
- برای پیشنهادات و حل مشکلات، در بیشتر از یک و نیم سال مسوولیت من به حیث وزیر، چهار بار، نیم - نیم ساعت ملاقات با رییس جمهور برابم داده شد، آن هم برای هر بار دیدن تا چهار ماه انتظار کشیدم.
- شخص رییس جمهور آدم بدی نیست؛ ولی راه های اصلی و فرعی رفته به سوی او را، کارمندان ارگ اش برای غرض های شخصی، بسته اند.
- اگر یک رییس جمهور کم از کم هفته ای یک بار برای دیدن وزیرش وقت ندارد و تمام ملاقات هایش به دست اشخاص مغرض باشد، پس توقع کار و فعالیت از وزرا نمی تواند باشد. این مشکل برای اکثریت وزرا است.
- اما وزرا و کارمندان نازدانه ای وجود دارند که هفته ای دو - سه بار با رییس جمهور دیده می توانند.
- ملاقات نکردن وزیر، معطل ماندن وزیر برای ماه ها جهت ملاقات و تقاضای معلومات در مورد علت ملاقات با رییس جمهور توسط سکرترش آن هم با ایمیل، نه تنها باعث کندی کار و عملی نشدن آن به وقت می شود، بلکه توهین به یک وزیر نیز است.
- رییس جمهور یا قصدا و یا توسط مشاورینش، وزارت اطلاعات و فرهنگ را عملا فلج و بی صلاحیت ساخته است و تا جایی که من خبر دارم، حال اکثر وزرا چنین است.
- اگر در وزارت اطلاعات و فرهنگ کاری نشده است، یگانه دلیل این است که من مطلقا صلاحیت نداشتم و تقریبا تمام صلاحیت ها را ارگ و اداره مفسد اصلاحات اداری از من سلب کرده بودند.

باکه خواهم گفت؟؟؟



بی سواد ان قرن ۲۱

بی سوادان قرن ۲۱ کسانی نیستند که نمی توانند بخوانند و بنویسند بلکه کسانی هستند که نمی توانند آموخته های کهنه را دوربریزند و دوباره بیاموزند. . .

باکه گویم؟؟؟

شرح این دیوانگی را با که توام گفت؟

گرگوش دل یافتم به یقین خواهم گفت

تو دربند عیش و نوش و قومگرایی برو

زین پس سایه گرپذیرد سخن خواهم گفت.

شتررا پرسیدن بالای خوب است و پایایاتی؟؟؟ و میدانید که شترچه گفت؟؟؟.... از خرسوال کردند : مبارک باشد صاحب

پسرشده و بی بدون مقدمه گفت : نفع به من ندارد او بارش را می برد و من بارم را..... تازمانیکه خود افغانان

درس نوشت کشورورپس جمهوردیوانه و خود خواه تصمیم نگیرد و هیچ کسی دیگر دلش بحال این ملت نخواهد سوخت .

از ریگن تا بارک او با ما وضع کشورماچنین است و بعدهم کاری سودمندی انجام نخواهد شد....

وای برتو!



بی عاطفگی

اگر باخونسردی گناهان خورد را مرتکب شدیم ، روزی می رسد که بدترین گناهان را هم بدون خجالت و پشیمانی مرتکب می شویم.

نان آور

دستی که نان و آب به من داد می رود

من مرده بودم او که مرا زاد می رود

این روزها که می گذرد بی صدای او

تقویم پاره ایست که در باد می رود

از من مخواه آینه باشم که در دلم

یک هستی دیرینه مگر از یاد می رود؟

بودن برای او قفسی تنگ بود و حال

مرغ از قفس پریده و آزاد می رود

خود سوخت و ساخت باغم زندگي

آن کس که بنمود مرا شاد می رود.

مادر اوزبیکي سه فرزند خود را در راه دفاع از وطن از دست داده و فعلا گدایی می کند، ولی شربت گل فقط به جرم جعل سند هویتی بازداشت شده بود، اما واکنش ارگ در برابر این دو پدیده جالب است. رییس جمهور به پاس قهرمانی شربتگل، از او در ارگ به گرمی استقبال می کند و به او از پول بیت المال یک باب خانه می دهد، اما به مادر سه شهید نمی گوید که خونش به چند می ارزد. آیا دلیل این یکبام و دو هوا این نیست که شربتگل از تبار رییس جمهور، ولی مادر سه شهید از تبار ازبیک است؟.

متفکر؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟



اشرف غني احمدزي

اشرف غني احمدزي ! با تزوير و ريا با غرور و تکبر با بدقولی و عهد شکنی با فتنه گری و دروغ نمی توان ادعای انسانیت داشت. و انکه به سرنوشت میهن و مردم سرزمین خویش بی انگیزه است ارزش یاد کردن ندارد.

چرا؟؟؟

چرا بی عاطفه این روزگار است ؟؟؟

که هر کس با دلم ناسازگار است

تو هر چه کرده ای غني احمدزي

به تقویم سیاهی ماندگار است .

کسی که از عزت و آزادی وطن دفاع میکند اینگونه زندگی دارد .

اما شربت گل کدام قهرمانی کرده است؟؟؟ که شما برای او خانه میدهد .؟

بس شعار عدالت مبارزه با تبعض یک قصه مفت است

تا هنوز تعصبات قومی و تبعض در کشور روان است

رییس جمهور از کیسه خلیفه میبخشد ،

رنیس جمهور غنی میزبان شربت گل بود!



این جوان دو چشم و یک دستش در دفاع از وطن از داده است و در خانه کرایه زنده گی میکند.

شربت گل صاحب یک باب آپارتمان شد ، مبارک اش باد.

اوج تبعیض قومی! یکی برای وطن چشمش کور شد و معاشش داده نمیشود و دیگری تا زندانی نشد خیال برگشت به افغانستان را نداشت. اگر شربت گل پشتون نمیبود مورد این همه لطف و مرحمت رییس جمهور قرار نمیگرفت ... ده ها زن

در بدترین شرایط با همه مشقت ها زندگی میکنند مانند هم سران و خانواده های افسران که به شهادت رسیده اند اما

رییس جمهور از آنها یاد هم نمیکند ، نباید فراموش کنیم شربت گل اگر مجبور نمیشد هرگز افغانستان نمیآید...

شرف غنی و بی بی گل به جای اینکه از شربت گل خلافتکار، تقلبکار و مجرم درارگ استقبال، تقدیر و کلید یک باب خانه را به او بدهند، بهتر بود از عبدالله جان سرباز پولیس ملی که چشم، دست و سلامتی خود را در راه دفاع از وطن و مردم خود فدا کرده است، تقدیر و کلید یک باب خانه را به او می دادند. اما چه کنیم که اینجا افغانستان، یعنی فاسدترین کشور جهان و همه چیز در این خرابستان برعکس است.

غنی احمدزی به این کارت چه نامی میگذاری؟؟؟



تاریخ

به شهادت تاریخ : هرگاه روزگاز خواسته تفکر فاسدی را رسوا کند
به او قدرت مطلق داده است . .

میدانی؟؟؟

وقتی که سیم حکم کند زرخدا شود

وقتی دروغ داور هر ماجرا شود

وقتی هوا هوای تنفس هوای زیست

سرپوش مرگ برسر صدها صدا شود.

استقبال بی پیشینه ارگ از شربت گل تنها میتواند با فورمول تعصبگرایی اشرف غنی احمدزی قابل فهم باشد. شربت گل نه تاجی به سر مردم افغانستان زده است که این گونه با دست باز از سرمایه عامه برایش خرچ میکنند و نه اخراج او از پاکستان جنبه سیاسی دارد تا شایسته دلجویی باشد. شربت گل اسناد هویت پاکستانی را جعل کرده است و جعل اسناد در تمام کشورهای دنیا جرم بزرگیست. صدها نفر به همین جرم در پاکستان، افغانستان و کشورهای دیگر زندانی هستند. برخورد نهادهای قضایی پاکستان با پرونده شربت گل هم کاملاً متساهلانه و توأم با تخفیف بود. دلیل این همه هیاهو و سیاسی سازی مساله حقوقی از سوی ارگ چیست؟

اگر بحث چشمان آبی شربت گل مطرح بود که چهل سال از آن زمانی که او با آن چشمانش به شهرت جهانی رسید میگذرد در این مدت این آدمها چرا از او یادی نکردند و حالا که نام او به عنوان "مجرم" تیترو رسانی شده است برایش بساط تکریم چیده اند. این یعنی اینکه در افغانستان يك گروهی فراتر از قانون و سر نهادن به معیارهای مدنی هستند که نه تنها در افغانستان بلکه در بیرون از آنجا هم نباید ملزم به پیروی از قانون باشند .

در قاموس ارگ کابل، محاکمه شربت گل به جرم جعل اسناد توهین به وجهه فراقانونی تبار او است. همان وجهه بی که به استقبال تروریست بین المللی بی چون حکمتیار فرش سرخ میگستراند، برای شربت گل خانه و نهاد خیریه میسازد. میلیونها مهاجر ما در کشورهای مختلف به شمول پاکستان مورد توهین و تحقیر قرار میگیرند و حقوق و کرامت انسانی شان لگدمال میشود اشرف غنی عین خیالش هم نیست. سربازان ما در جبهه های جنگ برای حفظ قلمرو قدرت غنی جان میدهند و خانواده های شان بی پناه و دربرد به دنبال نان و مسکن میگردند اشرف غنی هیچ خبر نمیشود ولی از کیسه خلیفه برای کسی میبخشد که به جرم جعل اسناد از يك کشور دیگر اخراج شده است. شربت گل اگر پشتون نمیبود هرگز این شانس را نداشت.

شهر خربوزه نیست؟؟؟



جهان سوم

جهان سوم جایی است که هرکس بخواهد مملکتش را آباد کند خانه اش خراب می شود ، و هرکس بخواهد خانه اش را آباد کند ، باید برای ویرانی مملکتش بکوشد .

شریت گل از پاکستان به جرم جعل کاری اخراج و در کابل کلید خانه دریافت کرد ارگ ریاست جمهوری اعلام کرده است که شربت گل، زن افغانستانی که به دلیل چاپ عکسش بر روی جلد مجله نشنال جنوگرافیک به شهرت جهانی رسید، امروز به کابل رسیده و مورد استقبال اشرف غنی احمدزی و رولا غنی، بانوی اول قرار گرفته است. شربت گل امروز به کابل رسید، رئیس جمهوری به او خوش آمدید گفت و بانوی اول افغانستان به او خوش آمدید گفت. در این دیدار به او کلید خانه اش در شهرک قصبه داده شد. رئیس جمهوری در این دیدار به شربت گل وعده داد که برای آموزش فرزندانش و برای درمان صحت خودش توجه خاص خواهد کرد.

شریت گل به افغانستان آمد و صاحب زمین و موتر و آپارتمان و پول و عزت و مقام شد. یعنی اگر پاکستانی ها او را به زندان نمی انداختند شاید تا سی سال دیگر ما غیر از پوسته های شربت گل با چشمان سبزش حتی شینگ چادری شربت گل را نمی دیدیم . باز هم خیر ببیند که به کشور برگشت و خیال همه راحت شد. از شما عزیزان هم خواهشمندم روی چشمان تان کار کنید شاید یک عکاس خارجی بیاید و داخل عمق چشمان تان چیزی پیدا کند و تصویر شما جهانی شود و سی سال بعد بخاطر چشمان تان بیفتید زندان و در نتیجه همه دنیا برای چشمان تان مظاهره کنند و پای شما به ارگ ریاست جمهوری برسد و همه به استقبال چشمان گرمی تان تا میدان هوایی بیایند.



اما چند پرسش مطرح است.

آنگاه که سفیر افغانستان در اسلام آباد برای آزادسازی شربت گل تلاش می ورزید و به فکر او شده بود، کمی به فکر این هم آمد که در زندان های پاکستان چند شربت گل، آقاگل و قندی گل دیگر افغانستانی زندانی اند و آنان هم عین حق را بالای دولت شان دارند؟!

اشرف غنی احمدزی وقتی کلید خانه را به شربت گل می داد و کودکان او را نوازش می کرد؛ آیا این به فکرش آمد که هزاران زن بیوه و کودک یتیم که خیلی هایشان بازمانده های نیروهای شجاع امنیتی اند که برای این دولت و این ملت جان شان را فدا کردند، در چه سرنوشتی قرار دارند؟! وزارت خارجه کمی به این فکر آمد که در هر گوشه از دنیا چند شربت گل در زندان ها افتاده باشند و برایشان باید رسیدگی شود و خیلی «آیا» های دیگر... شاید باز هم نیاز به یک عکاس «نشنال جیوگرافیک» باشد تا دولت به فکر سایر شهروندان مظلوم اش شود.

اینهم حکومت اشرف غنی احمدزی



عجب عصري

عصری ست که اندیشه ها فلج است ، شخصیت ها فروخته شده اند ، وفاداران تنها هستند، پارسایان گوشه گیرند ، جوانان یا مایوس یا فروخته شده ، یا منحرف و یاترک وطن کردند، و گذشته گان و بزرگان گذشته یا شهید شده ، و یا فروخته شده اند، و عصری ست که دیگر در میان توده ها ، هیچ آوانی و ندانی بلند نیست . قلم ها را شکسته اند ، زبان ها را بریده اند ، لب ها را دوخته اند و همه ی پایگاه های حقیقت را بر سر وفادارانش ویران کرده اند .

انسانها

چرا وقتی که راه زندگی همواری گردد ؟
 بشر تغییر حالت می دهد خون خواری گردد
 به عیش و مستی می نوازد طبل بی دینی
 به وقت تنگ دستی زاهدودین دار میگردد.

آنچه در حکومت وحشت ملی فراموش شده مردم است. سفیر و وزیر و وکیل و رییس این حکومت همه دنبال امتیازگیری از بهانه های کوچک و بی ارزشی هستند که هیچ ربطی به اوضاع مردم و وظایف حکومتی شان ندارند. زاخیلوال سفیر کابل در اسلام آباد که از تبه کاران و فسادپیشه گان ماهر ده سال اخیر است، اکنون بجای پیشبرد امور دیپلماسی در اسلام آباد، وقت اش را گذاشته پای تبلیغ و حمایت از یک مهاجر افغانستان که با هویت پاکستانی بصورت جعل و تقلب در آن کشور زندگی کرده است. شربت گل هیچ امتیازی نسبت به میلیون ها آواره افغان در سراسر جهان ندارد جز اینکه سال ها با هویت جعلی پاکستانی زندگی کرده است اما حنیف اتمر برای نجات او با سفیر پاکستان ملاقات می کند، زاخیلوال شب و روز برای آزادی اش از زندان تلاش نموده و رییس جمهور با خانم اش در ارگ جلواش زانو زده و کلید خانه ای را بصورت رایگان برایش می دهد. در هر سوی این کشور، روزانه ده ها سرباز در دفاع از مردم و در دفاع از حکومت کشته و زخمی و گردن زده می شوند اما حکومت نه تنها برای خانواده هایشان کلید خانه و پول و نان رایگان نمی دهند که حتی معاش و امتیاز یک سرباز مدافع حکومت را بر آنان قطع می کنند و تنها راهی که برای خانواده هایشان باقی می ماند گدایی و مردن در روی جاده ها است.

یک تعداد به شدت شاکمی اند که اشرف غنی احمدزی معتصب است، بودجه دولتی را در اختیار مناطق خاصی داده در حالیکه اولادهای ما در محافظت کشور در جبهه های جنگ همه روزه شهید می شوند، جنرال دوستم را در انتحاری برابر کرد، جنبش روشنایی را در نطفه خنثی ساخت و... باز در پهلوی همه این گپ ها می گویند اشرف غنی دیوانه است. بنظر من دیوانه به کار خود هوشیار است. این دیوانگی اخیرا به ولایت پروان سرایت کرده و هسته هسته تمام کشور را می گیرد .

از کفتر تا شربت گل



سیاستمداران ناتوان

سیاستمداران ناتوان ، به جای گفتگو با خردمندان و آگاهان ، با چاپلوسان نادان ، نشست و برخاست می کند . سیاستمداران نابکار ، از دزدان و آشوبگران بیشتر به کشور آسیب می رسانند .

به تو چه؟

به شربت گل خدا داده به تو چه؟

غنی خان جابجا داده به تو چه ؟

اگر میلیونها دالر بر بی بی گل

به او پای در هوا داده به تو چه؟

کفتر، زنی حماسه آفرین که جبهه بزرگی را سالهای سال رهبری کرد. گروهی از دلبندان خویش را در راه حفاظت از ناموس وطن راهی گورستان کرد. برای کفتر با این همه جان نثاری ها یک آشیانه در کیوتراخانه های کابل میسر نشد. و اما شربت گل غیر از داشتن چشم رنگین دیگر چی هنر دارد که غنی او را در ارگ می پذیرد و کلید اپارتمان چهار اتاقه را تقدیمش می کند؟